

مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب سلیمانی

عبدالله جلالی*

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر شناخت مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب سلیمانی است. **روش:** در این پژوهش ابتدا یک مدل نظری برای مؤلفه‌های قدرت نرم ارائه می‌گردد و سپس با تکیه بر آن مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب سلیمانی با روش تحلیلی، تفسیری تبیین می‌گردد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد، مؤلفه‌های فرهنگی-اعتقادی، اجتماعی-انسانی، تبلیغی-روانی، اقتصادی و سیاسی-دیپلماسی از مؤلفه‌های مهم مکتب سلیمانی به شمار می‌آیند. مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب سلیمانی توانست توان مبارزه را افزایش دهد و ضربه‌ایی حیثیتی به ابهت آمریکا بزند که با هیچ چیزی جبران نمی‌شود.

نتیجه‌گیری: مؤلفه‌های به دست آمده از مکتب سلیمانی، بی‌شک بالاترین و والاترین عناصری هستند که موجودیت و هویت قدرت مادی و معنوی او را که به‌عنوان اسطوره مقاومت و سرباز مدافع امت اسلامی مطرح می‌سازد، نمایان کند.

کلیدواژه‌ها: قدرت سخت، قدرت نرم، مکتب سلیمانی.

جنگ نرم از جمله جدیدترین سناریوها و الگوهای براندازی است که توسط مراکز فکری آمریکا - پس از دوران جنگ سرد - مورد توجه قرار گرفته است. این جنگ - برخلاف جنگ سخت - به جای کاربرد خشونت، زور، تهدید و تحمیل خواست خود بر دیگران، از طریق عملیات روانی و تبلیغات رسانه‌ای، و به‌طور خلاصه از طریق اقناع به دست می‌آید [به‌گونه‌ای که آن جامعه را به انفعال کشیده و مردم ناخودآگاه به آنچه صاحبان قدرت نرم می‌خواهند، معتقدند و همان را انجام می‌دهند] (نای^۱، ۲۰۰۸، ۴۵) اما باید دانست در واقعیت امر، جنگ نرم به اقدامات تبلیغی و اقناعی و از طریق رسانه‌ها محدود نشده، بلکه طیف وسیعی از تهدیدهای نظامی، فشارها و تحریم‌های اقتصادی گرفته تا تلاش‌های سیاسی و حقوقی در سطح جهانی، زمینه‌ساز و مکمل این فعالیت‌هاست که برای تغییر فرهنگ و افکار عمومی و در نهایت جوسازی‌ها و ایجاد آشوب و ناامنی جهت فروپاشی انجام می‌گردد.

البته شکی نیست که عمیق‌ترین لایه در این جنگ ویران‌کننده، تلاش بسیار حرفه‌ای، موزیانه و شیطنانی برای تغییر فرهنگ و افکار عمومی به‌خصوص نگرش‌ها، باورها و نیز ارزش‌ها و هنجارهایی است که خود اساسی‌ترین منبع و مؤلفه قدرت نرم برای یک جامعه محسوب می‌شوند.

در عصر حاضر فردی را شاهد هستیم که قدرت نرم را در پارادایم مکتب اسلام ناب محمدی به منصفه ظهور آورده است. در این قرن یکی از مهم‌ترین جریانات فعال و تأثیرگذار در کنش‌های سیاسی جهان اسلام و جهان سلطه، جریان مقاومت اسلامی است که معادلات جهانی را دچار چالش‌های جدی کرده است. شهید سردار سلیمانی علمدار و چهره بین‌المللی مقاومت است و رهبر معظم انقلاب وی را نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی معرفی کردند (خامنه‌ای، ۱۳/۱۰/۱۳۹۸)، که عملکرد فکری و عملی او سبب شد تا خود به‌عنوان یک مکتب در محافل سیاسی و اجتماعی و بین‌المللی مطرح گردد. شناخت مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب این الگوی و اسطوره جهانی هدف اصلی در این

مقاله است که با روش تفسیری، تحلیلی صورت گرفته است. اهمیت و شناخت این مؤلفه‌ها که در شکل‌گیری شخصیت جامع سردار سلیمانی نقش بسزایی داشته بی‌شک بالاترین و والاترین عناصری است که موجودیت و هویت او را که به‌عنوان سرباز مدافع امت اسلامی مطرح می‌سازد، تشکیل می‌دهند؛ زیرا این مؤلفه‌ها هستند که رکود و خمودی یا تحرک و ایستادگی یک فرد را در پی خواهد داشت و در نتیجه آن می‌توان اظهار ذلت و تسلیم یا احساس غرور و عزت در برابر دیگران را مشاهده نمود و همین مکتب اوست که شکل‌دهنده اذهان افراد جامعه و برانگیزاننده رفتار حاصل از آن در بین کشورهای منطقه است.

در این پژوهش، از رهیافت جوزف نای بهره برده‌ایم. بخش نظری این مطالعه را نظریه قدرت نرم جوزف نای تشکیل می‌دهد. اصطلاح یا واژه «قدرت نرم»^۱ برای اولین بار توسط جوزف نای، نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی در مقاله‌ای با عنوان «misleading metaphor of decline» در نشریه «Atlantic» در مارس ۱۹۹۰ مطرح شد. نای به‌طور کلی قدرت را سه نوع عمده می‌داند:

قدرت سخت: بهره‌گیری از زور (توان نظامی و جز آن) برای تحمیل اراده خویش به دیگران.

قدرت نیمه‌سخت نیز به قدرت اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن، کشور یا کشورهای برخوردار از آن با سازوکارهایی نظیر محاصره اقتصادی، تطمیع، رشوه‌دادن، انعقاد قرارداد و جز آن، اراده خود را به دیگران تحمیل می‌نمایند و قدرت نیمه‌سخت بر پاداش و تطمیع (هویج) متکی است. قدرت نرم که بر جاذبه و «قابلیت شکل‌دادن به علایق دیگران» متکی است (نائینی، ۱۳۹۱، ۷۰-۷۱). وی قدرت نرم را این‌گونه تعریف می‌کند: «قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق «جاذبه» نه از طریق اجبار یا تطمیع. قدرت نرم توانایی شکل‌دهی، اثرگذاری و تعیین باورها و امیال دیگران است، به‌نحوی که تضمین‌کننده اطاعت و فرمان‌برداری آنان باشد» (نای، ۲۰۰۸، ۱۶). این سه دسته از قدرت، در واقع همان سه عامل یا مثلثی است که تحت عنوان زر و زور و تزویر مطرح می‌شده است. این تعریف از

قدرت نرم به‌عنوان ابزار و پشتوانه اصلی جنگ نرم هماهنگ با تعریف وی از جنگ نرم است که آن را استفاده از قدرت نرم برای دست‌کاری افکار عمومی کشور آماج و تغییر ترجیحات و نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی آنان می‌داند. او به آمریکا پیشنهاد می‌کند که در قرن جدید نباید به قدرت اقتصادی و نظامی خود تکیه کند، بلکه بایستی در جهت جذابیت فرهنگ ارزش‌ها و نهادهایی که قدرت نرم نامیده می‌شوند تلاش کند. وی در مقاله یادشده می‌گوید:

«اگر آمریکا تنها دو درصد از تولید ناخالص ملی خود را به برنامه‌ای اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقا داده و هم کمک‌های مؤثر و اطلاعات موردنظر را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت و عمیق‌تر از «hard power» دست می‌یابد که به آن می‌گوییم «soft power». وی در این زمینه تلاش می‌کند تا نشان دهد که آمریکا در زمینه قدرت نرم بی‌همتا است» (نابینی، ۱۳۹۰، ۷۱). با این توضیحات از قدرت نرم، مکانیسم قدرت نرم این‌گونه است که از طریق تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان حمایتی، کشور متخاصم را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می‌دهد. این‌گونه تغییرات، معمولاً از زیرساخت‌های ارزشی و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، خصوصاً حوزه‌های آموزشی و فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۲، ۵۱)

البته پروفیسور حمید مولانا نیز برای اولین بار به تبیین قدرت نرم به‌معنای امروزی آن پرداخت. مولانا قدرت را به دو بخش ملموس و ناملموس تقسیم می‌کند. منبع قدرت ناملموس (نرم) را دین، ارزش‌ها، ایدئولوژی و دانش، و قدرت سخت یا ملموس را منابع طبیعی، جمعیت، ثروت و ابزار نظامی و جنگی معرفی می‌کند. به اعتقاد مولانا، قدرت نرم زیربنای قدرت سخت بوده و ماهیت آن را مشخص می‌نماید (مولانا، ۱۳۷۱، ۱۵). در این مقاله می‌کوشیم مؤلفه‌های قدرت نرم را با توجه به چارچوب نظری نای در مکتب سلیمانی، بررسی کنیم.

مکتب سلیمانی

مکتب نگاه جامع در تفسیر انسان و جهان است که بایدها و نبایدهای انسانی را مشخص و معین می‌سازد که بیانگر نظام ارزشی برای زیستن و چگونگی زیستن او ارائه می‌دهد.

به عبارت دیگر مکتب طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها را مشخص می‌کند و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد می‌باشد. (مطهری، ۱۳۵۷، ۴۶-۵۷)

اسلام با چنین جهان‌بینی و ایدئولوژی مکتبی است جامع و واقع‌گرا، که به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی، آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی یا فکری، یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی توجه دارد و مجموعه از تعلیمات اسلامی در سه بخش عقاید، اخلاقیات و احکام است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ۳۵-۳۶)

منظور ما از مکتب سلیمانی در این مقاله به بینش دینی و گرایش و سلوک فردی و اجتماعی سردار سلیمانی اشاره دارد که متکی بر نظام ارزشی و مکتب توحیدی است که در پارادایم مکتب امام خمینی و رهبر معظم انقلاب تعریف می‌شود و متکی بر اسلام ناب محمدی است و الگویی عملی برای علاقه‌مندان به این مکتب است.

تعریف قدرت

کمتر واژه‌ای نظیر قدرت را می‌توان یافت که چنین تعریف‌های گسترده‌ای داشته باشد. در دوران مسیحیت و پیش از آن، این صفت تنها به خداوند قادر مطلق اختصاص داشت. برتراند راسل می‌گوید: «قدرت همراه با عظمت، برترین آرزوهای نوع بشر و بزرگ‌ترین پاداش او بوده و هست». (گالبریث، ۱۳۷۱، ۷). بنابراین، قدرت از نظر تبارشناسانه^۱ و دیرینه‌شناسانه^۲ نیز - آن‌گونه که میشل فوکو آن را توضیح می‌دهد - مفهومی ماهیتاً جدال‌برانگیز دارد.^۳ پیدایش مفهوم قدرت، قدمتی طولانی دارد. برای نخستین بار، هابز، یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان عصر مدرنیته، به تئوریزه کردن مفهوم «قدرت» پرداخت. اگرچه پیش از آن، ماکیاولی در جایگاه نخستین فیلسوف فرامدرنیست، با بهره‌گیری از مفاهیمی چون «سازمان» و «استراتژی» به

بحث درباره این مفهوم پرداخت، دیدگاه‌های هابز درباره قدرت، سایه سنگین خود را بر دامنه هر نوع رویکرد و رهیافتی در این عرصه گستراند.

در پی افزایش هزینه‌های سیاست‌های جنگ طلبانه، کاهش میزان نفوذ و کارآمدی آن‌ها و به‌ویژه تغییر فضای مناسبات بین بازیگران (تحت تأثیر روندهایی مانند فرهنگی شدن جوامع جهانی شدن و...) شاهد کاهش ارزش گفتمان سلبی جنگ و شکل‌گیری گفتمان تازه‌ای هستیم که در آن، جنگ به ابزاری محدود با هزینه بالا در تنظیم مناسبات بین بازیگران تنزل می‌یابد (افتخاری و شعبانی، ۱۳۷۷، ۲۹). در این گفتمان، جنگ هدف و وضعیتی طبیعی نیست، بلکه اضطراب است و به شکل دفاع خود را نشان می‌دهد. تحت تأثیر گفتمان ایجابی جنگ، شاهد تحول گونه‌های مختلف جنگ و پیدایش مفهوم جنگ نرم هستیم.

قدرت نرم

جوزف نای قدرت نرم را برای نخستین بار در سال ۱۹۹۰ م. مطرح کرد و در تعریف آن گفت: قدرت نرم، توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم از راه جذب به‌جای اجبار به دست آوریم (بیگی، ۱۳۸۸، ۳۶). قدرت نرم، به‌معنای توانایی رسیدن به اهداف از راه جلب نظر دیگران به‌جای استفاده از زور دانسته شده است. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موّجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی و قدرت اثرگذاری غیرمستقیم همراه با رضایت بر دیگران دانسته شده است. در واقع، قدرت نرم، موجب شکل‌دهی رفتار دیگران می‌شود. نهادهای بین‌المللی به قدرت نرم یک کشور کمک می‌کنند. قدرت نرم در کنترل دولت‌ها نیست، بلکه در کنترل جامعه مدنی است؛ از این‌رو، موجب افزایش قدرت بازیگران غیردولتی شده است (پوراحمدی، ۱۳۸۹، ۵۲۳). پرداختن به مسئله قدرت نرم و منابع آن از حیث آن‌که توان مبارزه را در جنگ نرم فراهم می‌سازد، حائز اهمیت بسیاری است. قدرت نرم را توانایی شکل‌دهی به علایق دیگران و هدایت رفتار آنان بدون بهره‌گیری از زور می‌دانند (نای، ۲۰۰۳). قدرت چه از نوع سخت و یا نرم به‌عنوان یکی از موضوعات مهم از دیرباز مطرح بوده و پیرامون آن بحث‌های زیادی صورت گرفته و در

طبقه‌بندی‌های گوناگون از قدرت نرم و سخت تحت عناوینی مانند قدرت روحی و قدرت جسمی، قدرت مادی و قدرت معنوی به آن می‌پرداختند. گفته می‌شود قدیمی‌ترین مدرک در مورد قدرت نرم به کنفوسیوس باز می‌گردد که این فیلسوف چینی قدرت سخت را به دندان و قدرت نرم را به زبان تشبیه می‌کند (نائینی، ۱۳۹۱، ۶۹).

منابع، عناصر و مؤلفه‌های قدرت نرم

منابع اصلی قدرت نرم

از آن‌جا که مسئله‌ی قدرت نرم در جنگ نرم اهمیت زیادی دارد، لازم است انواع منابع قدرت نرم را مورد توجه قرار دهیم. همان‌گونه که در تعریف جنگ نرم، خصوصاً ابعاد و عرصه‌های آن اختلاف دیدگاه‌هایی مشاهده شد، در تعریف قدرت نرم و خصوصاً منابع آن نیز در بین صاحب‌نظران تفاوت‌هایی را شاهد هستیم. ژرف‌نای در کتب و مقالاتی که در خصوص جنگ نرم منتشر کرده است، منابع قدرت نرم را شامل سه منبع کلی زیر می‌داند که برای هر یک نیز شروطی را ذکر می‌کند که در صورت تحقق آن شرط می‌توان از آن به‌عنوان یک منبع قدرت مؤثر یاد نمود.

۱. فرهنگ (زمانی که دیگران را مجذوب سازد).

۲. ارزش‌ها (زمانی که در کاربرد آنها فریب و تزویر نباشد).

۳. سیاست‌های خارجی (زمانی که در چشمان بقیه مشروع جلوه نمایند).

البته منظور نای از ارزش‌ها در این‌جا، ارزش‌های سیاسی است؛ چراکه ارزش‌ها به‌صورت کلی خود بخش مهمی از فرهنگ است که در منبع اول ذکر شده است. بنابراین منبع قدرت از نظر نای و نیز ساندرز (۲۰۰۷) عملاً شامل سه منبع «فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی»، «دیپلماسی عمومی» و «سیاست‌های خارجی» عنوان می‌گردد. که البته برای تبدیل این منابع به قدرت شرایطی ذکر کرده‌اند که توجه به آن‌ها می‌تواند در جنگ نرم مفید باشد. مثلاً برخی نویسندگان معتقدند برای آن‌که یک فرهنگ به منبعی برای قدرت نرم تبدیل شود، بایستی دارای ویژگی‌هایی باشد که مهم‌ترین آن پویایی و پایداری ارزش‌ها، توان اشاعه،

اخلاق محوری، وجود تولیدات فرهنگی و برخورداری از ارزش‌های قابل اشتراک در سطح جهانی می‌باشند. (نائینی، ۱۳۹۱، ۸۴-۸۶)

دیپلماسی عمومی نیز به معنای دستیابی به اهداف سیاسی از طریق کار و ارتباط با عموم مردم در کشورهای خارجی و نفوذ در دیدگاه‌های افراد و سازمان‌های آن‌هاست. چنان‌که نای می‌گوید قدرت نرم - به‌عنوان پی‌آمد دیپلماسی عمومی -

عبارت است از وادار کردن دیگران به خواستن آنچه مطلوب ماست، و این امر مستلزم آن است که بدانیم چگونه پیام خود را به گوش آنان برسانیم. برای این کار بایستی مخاطبان خود را بشناسیم. در بعد سیاست خارجی قدرت نرم نیز برخی محققان معتقدند چگونگی اعمال سیاست‌های یک کشور در سایر کشورها، بر قدرت نرم آن اثر می‌گذارد؛ مثلاً به‌زعم نای (۲۰۰۷) سیاست‌های یک‌جانبه، خودخواهانه و سلطه‌جویانه آمریکا در کشورهای دیگر در دوران حکومت جمهوری خواهان موجب کاهش قدرت نرم این کشور شده است. چنان‌که در این دیدگاه‌ها مشخص است، توان اقتصادی یک کشور که خود می‌تواند عاملی برای فشارها و تحریم‌ها بوده و یا عواملی مانند قدرت امنیتی - اطلاعاتی، جزء منابع قدرت نرم ذکر نشده در حالی که این عوامل نیز در میزان قدرت نرم یک کشور تأثیرگذار می‌باشند.

عناصر اصلی و مؤلفه‌های قدرت نرم

از منظر نای عناصر اصلی و مؤلفه‌های قدرت نرم به مؤلفه‌هایی چون فرهنگی - اعتقادی، اجتماعی - انسانی، تبلیغی - روانی، اقتصادی، سیاسی - دیپلماسی تقسیم شده است (نای، ۲۰۰۴). البته برای هر یک از این مؤلفه‌های مذکور شاخص‌هایی ذکر می‌شود که یکی از محققین مبرز در این حوزه، این مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به آن را خلاصه کرده است. مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی مؤلفه فرهنگی - اعتقادی شامل (مکتب و ایدئولوژی جذاب و قدرتمند، پیشینه تاریخی - تمدنی، جاذبه‌های فرهنگی توریستی، توان ترویج ارزش‌ها و الگوهای رفتاری، سرانه بالای تولیدات هنری، توانمندی کمی و کیفی فرآورده‌های فرهنگی) و شاخص‌های ارزیابی مؤلفه اجتماعی - انسانی شامل (میزان امنیت اجتماعی، موقعیت و

رکوردهای جهانی در ورزش، میزان روحیه و دلبستگی ملی، میزان همگرایی و انسجام اجتماعی، خصایص منحصر به فرد ملی، سرمایه اجتماعی (بالا) و شاخص‌های ارزیابی مؤلفه تبلیغی-روانی شامل (توانمندی کمی و کیفی رسانه‌ای، توانایی اقناع افکار عمومی، پیش‌دستی در عملیات روانی راهبردی، آستانه تحمل مردم) و شاخص‌های ارزیابی مؤلفه اقتصادی شامل (برخوردراری از رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی، مدل و اندیشه الهام‌بخش اقتصادی، جذابیت کالا و فرآورده‌های اقتصادی) و شاخص‌های ارزیابی مؤلفه سیاسی-دیپلماسی شامل (رهبری کاریزماتیک، مدل و شکل نظام سیاسی، کارآمدی دولت، دیپلماسی فعال، حمایت و اعتماد مردم، عمق و نفوذ راهبردی و ثبات سیاسی) است. (نانینی، ۱۳۹۱، ۹۷)

یافته‌ها

مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب سلیمانی

در این مقاله مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب سلیمانی براساس مدل الگویی نای مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلفه‌های قدرت نرم ایران که با انقلاب اسلامی شکل گرفت، نظام ظالمانه و استکباری حاکم بر جهان را مورد هجوم قرارداد و این قدرت نرم با توفیق در بیداری اسلامی و آگاه‌سازی ملل محروم و مستضعف جهان، تحولات بزرگی را رقم زد که در مقطع کنونی، جنبش‌ها و قیام‌های کشورهای اسلامی و عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا بخشی از آن است. از جمله افراد تأثیرگذار در تحولات بزرگ منطقه سردار شهید سلیمانی است که خود به لحاظ ظرفیت‌های شخصیتی دارای یک مکتب است که می‌توان از مؤلفه‌های قدرت نرم مکتب او براساس تقسیم‌بندی نای گفت و گو کرد. چنان‌چه رهبر معظم انقلاب فرمودند:

«قدرشناسی زمانی تحقق می‌یابد که ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز - و به ابومهدی - شهید عزیز - به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آن‌ها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

فرهنگی-اعتقادی

یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب سلیمانی مؤلفه فرهنگی-اعتقادی است. مهم‌ترین جلوه قدرت در مکتب سلیمانی نگاه اعتقادی اوست که توانسته در وی قدرت معنوی ایجاد نماید. او با استفاده از آموزه‌های اعتقادی اسلام ناب محمدی، حیات حقیقی را در عقیده و جهاد می‌داند از این رو سراسر عمر خود را در جهاد سپری کرده است. او با بندگی صادقانه در درگاه ربوبی و کسب معرفت و ابراز محبت خالص به خداوند به مقامی از عبودیت رسید که دست و چشم و اراده او، مظهر دست و چشم و اراده خدا شد، که با او می‌بیند و با او می‌شنود و با او اراده می‌کند و در یک کلمه، شأن عبد به شأن رب متصل گردید، که با اطاعت از رب قدرت ربانی پیدا می‌کند^۱ (نوری، ۱۴۰۸، ۲۵۸)، او به مقامی می‌رسد که در سفر من الحق الی الخلق قدرت دستگیری از بندگان خدا را پیدا می‌کند^۲ (کلینی، ۱۳۶۳، ۳۵۲) و دستگیری از مظلومان و مبارزه با ستمگران از اساسی‌ترین اهداف زندگی جهادی خود تعریف می‌کند (وصیت‌نامه سردار، ۱۳۹۹، ۱۵) و با پذیرش مسئولیت سپاه قدس نیروهای بی‌مرزی را تشکیل می‌دهد که هر کجای عالم به او و نیروهایش نیاز باشد، حضور پیدا می‌کند. مبارزه با جریان سلطه در منطقه و نابودی داعش همه برخاسته از این مؤلفه اعتقادی است. از این رو برخلاف همه ارتش‌های دنیا شهادت بزرگ‌ترین آرمان و آرزوی اش می‌باشد و به همین جهت از خداوند می‌خواهد او را پاکیزه بپذیرد آنچنان بپذیرد که شایسته دیدارش باشد (وصیت‌نامه سردار، ۱۳۹۹، ۱۰). وی همواره تلاش کرده در میدان جهاد بماند و بر این نعمت خداوند را سپاس گذارد. چنان‌چه می‌گوید: «پروردگارا! تو را سپاس که مرا با بهترین بندگان در هم آمیختی و درک بوسه بر گونه‌های بهشتی آنان و استشمام بوی عطر الهی آنان را -یعنی مجاهدین و شهدای این راه- به من ارزانی داشتی...» (وصیت‌نامه سردار، ۱۳۹۹، ۱۵).

در مکتب او شهادت گمشده انسان مجاهد است. به همین جهت از هر احتمالی که او را به این آرزو برساند مثل درخواست از فرزندان و همسران و مادران شهدا باشد طلب دعا دارد

۱. قریب به این مضمون روایت «عَبْدِي اطْعَنِي حَتَّى اجْعَلَكَ مِثْلِي».

۲. «كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا».

و این گونه با خداوند مناجات می کند که: «خدایا وحشت همه وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن. مرا به حرمت کسانی که حرمت شان را بر خودت واجب کرده‌ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آن‌ها را خدشه دار می کند، مرا به قافله‌ای که به سویت آمدند، متصل کن. معبود من، عشق من و معشوق من، دوستت دارم. بارها تورا دیدم و حس کردم، نمی توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آنچنان که شایسته تو باشم» (وصیت نامه سردار، ۱۳۹۹، ۱۵).

در مکتب سلیمانی آخرت گرایی زمینه ساز شهادت طلبی است که در هر انسان مجاهدی حرکت روحی و قدرت روحی ایجاد می کند که او توانست با نشر فرهنگ شهادت طلبی در بین جوانان امت اسلامی قدرت جدیدی از فرزندان اسلام را برای مبارزه با دشمنان اسلام به صحنه آورد و با قدرت مادی آنان هم‌اوردی نموده و جریان سلطه جهان خواران را به چالش بکشاند. از این رو سردار سلیمانی در همایش یادواره شهدای استان همدان خطاب به ترامپ گفت: «آقای ترامپ قمارباز! در آن جایی که فکر نمی کنی نزدیک شما هستیم. خودم حریف شما هستم». وقتی او در پارادایم تعالیم اسلامی قدرت را در قرب به خداوند تلقی می کند چنان چه می فرماید: «جز دیدار تورا نمی خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله!»، و در ادامه مناجاتش می گوید: «عزیزم! تو خود می دانی دوستت دارم. خوب می دانی جز تورا نمی خواهم. مرا به خودت متصل کن...» (همان، ۱۴) او با این سرمایه معنوی از هیچ، همه چیز را می سازد و از ترس، به امن نقب می زند که امن و اقتدار و اطمینان این دل بزرگ تر از هستی و عظیم تر از رنج و گسترده تر از زمان، دیدنی و یافتنی و دوست داشتنی است. کسی که مرگ خواهی و احساس رفتن دارد، و کسی که حضور تحول را می بیند، قرار نمی گیرد و همیشه بی قرار است تا زمانی که با شهادت به قراری برسد و با توجه به ارزش‌ها و اندازه‌های وجودیش، از چوب مرده‌ای، اژدهای فعالی می سازد و در برابر قدرت‌ها به پا می دارد و می تواند فرعون و نمرود و طاغوت‌ها و قدرت‌های عصرش همچون آمریکا و اذنباش را به ذلت بکشاند. آنچه در برابر کفر و فتنه و فساد جهانی، نیرومند می ایستد، ایمان و اعتقادی است که به قدرت تبدیل شده و به محبت و ولایت و به سرپرستی و ولایت گره خورده است.

مادام که ایمان به ولایت مبدل نشود، نیروی جلوگیری و مصلح نخواهد بود. از این رو او به همه مجاهدان توصیه می‌کند:

«خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». (همان، ۱۵) توجه به این عنصر ولایت است که زمینه تحقق قدرت و تحول و انتقال قدرت را در جوانان امت اسلامی فراهم می‌سازد و با تربیت مهره‌های کارآمد و با نفوذ دادن آن‌ها به سرنوشت داعش خط پایان می‌کشد و با تکیه بر قدرت ولایت فقیه و پیروی از این عنصر معنوی نظام‌های مسلط را درهم می‌شکند که حتی از شنیدن نامش وحشت کنند. از این روی معتقد است:

«مهم‌ترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد، انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد، به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگ‌ترین قدرت‌های مادی را دلیل خود نموده‌اند». (همان، ۱۸) از این رو همه ملت‌های آزاده می‌توانند با پذیرفتن نظریه ولایت فقیه به‌عنوان تنها نسخه نجات‌بخش این امت براساس اعتقاد عقلی عزت را به امت اسلامی برگردانند.

یکی دیگر از عناصر قدرت در مکتب سلیمانی مؤلفه فرهنگی است. او در فرهنگ مقاومت در بین کشورهای اسلامی در شش لایه مختلف باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و اسطوره‌ها، آیین، آداب و رسوم اسلامی کشورها نفوذ کرد و از طریق آموزش‌های

خاص، قدرت نفوذ پیدا می‌کند تا جایی که ارزش‌های مقاومت برای عموم محترم شود و جریان مقاومت با احترام به ارزش‌هایی همچون شهادت و ایثار و مقاومت زمینه ایجاد امنیت فرهنگی را فراهم کند و با تقویت و نهادینه‌سازی روحیه همگرایی، اخوت اسلامی و اعتماد بین‌المللی را در جمع امت اسلامی ایجاد کند. او با شناسایی و معرفی الگوها و نمونه‌های برجسته تلاش همدلانه‌ای را در پیشینیانی، حفظ و تقویت هویت فرهنگی مقاومت صرف کرد تا همه جمهوری اسلامی، را مرکز اسلام و تشیع بدانند (وصیت‌نامه سردار، ۱۳۹۹: ۱۵) و با راه‌اندازی لشکرهای فاطمیون، حیدریون و زینیون حمایت از حرم اهل بیت علیهم‌السلام، اخوت و برادری دینی را به نمایش گذاشت تا این قدرت نرم را به خوبی نشان داده باشد.

اجتماعی-انسانی

یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب سلیمانی مؤلفه اجتماعی-انسانی است. بنابر قاعده، کشوری دارای قدرت نرم اجتماعی بیشتری است که از انسجام اجتماعی و وحدت ملی بیشتری برخوردار باشند. جمهوری اسلامی ایران با وجود برخورداری از تنوع قومی، و مذهبی از انسجام اجتماعی و ملی بالایی برخوردار است. مشارکت همه اقوام و مذاهب کشور (مانند شیعه، سنی، فارس، کرد، لر، عرب، آذری، ترکمن و...) برای دفاع از ایران اسلامی و سایر کشورهای مقاومت مسلمان منطقه، نمایشگر این انسجام بالا و عظمت این قدرت نرم است. ایجاد انسجام و همبستگی؛ و بسیج کردن جوانان برای انجام کارهای بزرگ و برانگیختن توده‌ها مهم‌ترین مؤلفه اجتماعی و انسانی سردار سلیمانی بود که با همه توان و تلاش خویش برای افزایش میزان پایداری عملی جوانان مقاومت برداشت و در شکل‌دهی رفتارها و جهت‌دهی افکار عمومی سهم زیادی داشت. این‌گونه بود که جنبش عمومی، حرکت جمعی یا رفتار گروهی نسبتاً منظم و بادوامی را برای رسیدن به هدف جریان مقاومت را به راه می‌انداخت و با ایجاد هم‌بستگی انسانی در واکنش به مشکلات جهان اسلام الگویی برای دیگران باشد.

تبلیغی-روانی

در مکتب سلیمانی هر مجاهدی که از اعتماد به نفس، روح خودباوری، همت و شجاعت برخوردار باشد از قدرت سهمی دارد. چنانچه در وصیت نامه خود شجاعت را ملاک انتخاب فرماندهان معرفی می کند و می نویسد: «ملاک مسئولیت ها را برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید» (وصیت نامه سردار، ۱۳۹۹، ۳۲). او با همین مؤلفه تبلیغی و روانی اقدامات سخت بین المللی را با همکاری و همراهی دیگران می توانست به نتیجه برساند و با فراخوان ملت ها برای بازگشت به هویت حقیقی خویشتن سبب تولید اراده و عزم پولادینی در آنها شد و به همین جهت ایران را به یک کانون الهام بخش برای ملت های دیگر تبدیل کرده است که هر مسلمانی احساس غرور و عزت اسلامی می کند. چنانچه در این زمینه به خطاب به برادران و خواهران مجاهدش می فرماید:

«خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده اید و جانها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق بازی به سوق فروش آمده اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است». (همان، ۱۵) از این رو رهبر معظم انقلاب در سخنرانی خود به بهانه شهادت سردار سلیمانی فرمودند: «سردار شهید سلیمانی کسی بود که با شجاعت مثال زدنی در صفوف مقدم و در خطرناک ترین جایگاه ها حضور می یافت و شجاعانه می جنگید و او یکی از مؤثرترین عوامل در شکست عناصر تروریست داعش و اشباحش در سوریه و عراق بود». (خامنه ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷)

شخصیت، حریت و تفکر سه عنصر اساسی و مؤلفه روانی در مکتب سلیمانی است که توانست در جوانان امت اسلامی پایه بگذارد و از این جهت کار بزرگی کرده است. شخصیتی که هر مسلمان آزاده ای را می تواند در برابر هجوم دشمنان مسلط کند و به دیگران اجازه ندهد که به جای او تصمیم بگیرند و با دستور و یا نصیحت و دلسوزی بر او تحمیل کنند و حریتی که قادر است با مهاجمان درگیر شود و تفکری که می تواند کمبودها را پوشاند و باعث حرکت و پیشرفت است و حتی تصمیم و اراده در ایشان ایجاد نماید و برانگیزد و حرکت دهد. بر

همین اساس رهبر معظم انقلاب معتقد است:

«دنیای اسلام باید صفحه جدیدی بگشاید. وجدان‌های بیدار و دل‌های مؤمن باید اعتماد به نفس را در ملت‌ها بیدار کنند؛ و همه بدانند که تنها راه نجات ملت‌ها تدبیر استقامت و ترسیدن از دشمن است». (همان) زیرا ملت‌های منطقه بیدار شده‌اند. توانایی ایران در مقاومت بلندمدت در برابر خباثت‌های آمریکا تأثیر خود را در فضای عمومی منطقه و روحیه ملت‌ها گذاشته است. سرنوشت منطقه، نجات از سلطه استکباری آمریکا و رهایی فلسطین از حاکمیت بیگانگان صهیونیست است. به همین جهت قدرت اسلامی، قدرت ما و شما، می‌تواند بر هیبت ظاهری قدرت‌های فاسد مادی فائق آید». (همان)

اقتصادی

یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت در مکتب سلیمانی مؤلفه اقتصادی است. در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی، تلاش برای تأمین نیازمندی‌های اقتصادی یکی از مؤلفه‌هایی است که می‌تواند تولید قدرت نماید. ایجاد مقاومت اقتصادی کشورهای منطقه و طرفدار جریان مقاومت در برابر فشارها، تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی یکی از ایده‌های مهمی بود که سردار سلیمانی در تعاملات با کشورها آن را دنبال می‌کرد. در شرایطی که کشورهای مسلمان با جنگ اقتصادی تمام‌عیار دشمنان روبه‌روست و نقشه شوم آن‌ها افزایش تحریم و فشار حداکثری به آن‌هاست ایجاد قدرت اقتصادی می‌تواند سبب گسترش و نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت مردمی و پیشرفت اقتصادی کشورها در برابر تکانه‌های جهانی باشد و زمینه و فرصت مناسبی برای نقش‌آفرینی مردم منطقه و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورد. ایجاد همگرایی و هم‌افزایی در مراکز اقتصادی کشورهایی همچون عراق و سوریه و لبنان یکی از اقدامات مهم سردار در تعاملات اقتصادی بود اگر دولت‌ها مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی ایران از این اقدام استقبال می‌شد و در پرتو این اعتماد این شراکت اقتصادی در بالاترین سطح قرار می‌گرفت به‌راستی می‌توانستیم انقلابی بزرگ در اقتصاد ایران و کشورها را شاهد باشیم. از این رو تشکیل قدرت اقتصادی کشورهای مقاومت نه صرفاً یک اولویت بلکه یک ضرورت برای کشور می‌دانیم؛ یک نیاز قطعی است. به همین جهت رهبر معظم انقلاب

معتقدند: «قدرت فقط قدرت نظامی نیست؛ قدرت، قدرت نظامی نیست؛ اقتصاد کشور باید قوی شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

قدرت اقتصادی از طریق ایجاد نهادهای حقوقی-اقتصادی همسایگان قابل تحقق است که در این زمینه وزارت امور خارجه نقش اساسی را برعهده دارد که ترغیب مسئولان به تمهید مقدمات لازم و برداشتن گام‌های اولیه برای عینیت بخشی به این طرح عظیم اقتصادی اسلامی در گرو آن است و مانع برتری جویی و تسلط بر مردم منطقه است که ایجاد این موقعیت استراتژیک در این منطقه مهم‌ترین عامل مقابله با سیاست‌های شوم اقتصادی کشورهای سلطه خواهد بود؛ زیرا با تقویت قوه اقتصادی امت اسلامی و بازگشایی دروازه‌های اقتصادی، و ایجاد بازارچه‌های مرزی و تسهیل مبادلات اقتصادی سبب ارتباطات فرهنگی و اقتصادی خواهد شد.

سیاسی-دیپلماسی

یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت در مکتب سلیمانی مؤلفه سیاسی و دیپلماسی است. از اساسی‌ترین، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عنصر قدرت در مؤلفه سیاسی مسئله‌ی ولایت فقیه است که مبتنی بر اندیشه امام و امت تعریف می‌شود و ویژگی‌های عدالت، تقوا، دین‌شناسی، شجاعت و مدیریت، آگاه‌بودن به مسائل روز جامعه و جهان باعث می‌شود ولایت فقیه از محبوبیت استثنایی و نیز کارآمدی بالایی برخوردار باشد و این مسئله باعث می‌شود تا قدرت نرم جریان مقاومت در حوزه سیاسی تضمین شود و این قدرت در حوادث سیاسی دهه‌های اخیر به وضوح دیده شده است. چنان‌که سردار سلیمانی بر پشتیبانی همه احاد و مسئولان و علماء و نخبگان از ولایت فقیه تأکید می‌فرموده‌اند. ایشان یکجا از خداوند بابت نعمت ولایت فقیه از خداوند سپاس‌گزاری می‌کنند و می‌گویند:

«خداوند! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلیبی به صلیبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیائت را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم.

خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز - که جانم فدای جان او باد - قرار دادی» (وصیت‌نامه سردار، ۱۳۹۹، ۶)، و در جای دیگر معتقد است نظریه ولایت فقیه تنها اختصاص به جمهوری اسلامی ندارد بلکه متعلق به جهان اسلام است و خطاب به همه امت اسلامی کرده و می‌گوید:

«برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل به و منصوب شرعی و فقهی معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد اسلام را احیاء کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید» (وصیت‌نامه سردار، ۱۳۹۹، ۱۵).

سردار شهید سلیمانی، ولایت فقیه را اصول مکتب خود می‌داند که همه باید حرمت او را حفظ کنند زیرا معتقد است: «از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را از مقدسات بدانید» (همان، ۱۶). وی مهم‌ترین قدرت ولایت فقیه را ذلیل کردن بزرگ‌ترین قدرت‌های مادی جهان می‌داند که نباید بر سر این موضوع که از جمله اصول به شمار می‌آید اختلاف صورت گیرد.

سردار سلیمانی به همه نیروهای مسلح توصیه می‌کند که می‌بایست همانند دفاع از خانه خود، از ملت و نوامیس و ارض آن حفاظت و حمایت و ادب و احترام کنند و از مردم کرمان درخواست می‌کند که تا آخر با ولایت بماند و به همه ملت ایران و دسته‌بندی‌های سیاسی توصیه می‌کند که در مسائل سیاسی آن‌جا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و

ولایت فقیه مطرح می‌شود، این‌ها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهند و اعتقاد عملی به ولایت فقیه داشته نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌عنوان طیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنند و کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد و مراجع و علمای مؤثر در جامعه نیز جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی علیه السلام هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند (همان)؛ زیرا معتقد است راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولی فقیه است. بی‌جهت نیست که تضعیف دستگاه رهبری همواره جزء موضوعات مورد تهاجم نرم دشمن قرار دارد.

یکی دیگر از عناصر قدرت مؤلفه دیپلماسی است. او با عنصر ارتباطی و قدرت اقناع و همراه‌سازی بی‌نظیرش توانست سایر کشورها خصوصاً کشورهای مسلمان را با جریان مقاومت همسو سازد و رهبران مذهبی را با خود همراه سازد تا جایی که از بزرگ‌ترین مرجع شیعیان جهان و عراق فتوای جنگ با داعش را بگیرد و موضع‌گیری آنان را به نفع جریان مقاومت تغییر دهد. آماده‌سازی، انگیزه‌سازی و برانگیختن افراد مؤثر در کشورهای مسلمان در راستای محقق‌ساختن وحدت امت اسلامی، مهم‌ترین هنر دیپلماسی سردار سلیمانی است که به‌منظور مقابله با این سیاست‌های استکباری با اتخاذ موضع تهاجمی و مطالبه‌گرانه، پیروزی جریان مقاومت در میدان را به نفع مجاهدان مقاومت رقم بزند. او توانست از تمام ظرفیت‌های نرم‌افزاری و دیپلماسی عمومی و عمق‌بخشی استراتژیک به تولید قدرت نرم پردازد و بهترین استفاده ممکن را ببرد. از این‌رو رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«آمریکا سال‌هاست در سوریه، در عراق، در لبنان، در افغانستان ضربه می‌خورد، از دست قدرتمند مقاومت ضربه می‌خورد لکن این ضربه از همه آن‌ها بالاتر بود؛ این ضربه، ضربه حیثیتی بود، ضربه به ابهت آمریکا بود؛ این ضربه با هیچ چیزی جبران نمی‌شود»

(خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

اتخاذ دیپلماسی مقتدر در عرصه بین‌المللی و زمینه‌سازی برای مشارکت و بسیج گروه‌ها در روابط بین‌الملل اسلامی و ایجاد قدرت مقاومت در ایجاد تحولات بین‌المللی نقش اساسی داشته باشد و به خنثی‌سازی توطئه‌های تبلیغی استکبار جهانی پردازد که توانست چگونه با این قدرت اتمام کار مبارزه با داعش را رسماً اعلام نماید؛ زیرا سپاه قدس را صرفاً به‌عنوان یک مجموعه و سازمان اداری نمی‌دید؛ بلکه به‌عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی مشاهده کنیم؛ زیرا که بنا به فرموده رهبر معظم انقلاب رزمندگان بدون مرزند؛ رزمندگان بدون مرز. رزمندگانی که هر جا نیاز باشد، آن‌ها در آن‌جا حضور پیدا می‌کنند؛ کرامت مستضعفان را حفظ می‌کنند، خود را بلاگردان مقدّسات و حریم‌های مقدّس می‌کنند (همان).

نتیجه‌گیری

از آن‌جا که ورود به جنگ نرم نیازمند شناخت و تقویت مؤلفه‌های قدرت نرم برای تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی است، پرداختن به مسئله قدرت نرم و مؤلفه‌های آن از حیث آن‌که توان مبارزه را در جنگ نرم فراهم می‌سازد، حائز اهمیت بسیاری است. جنگ نرم در مقایسه با جنگ سخت از مؤلفه‌های خاص قدرت برخوردار است که اطلاع از این مؤلفه‌ها، اهمیت و حساسیت جنگ نرم را روشن‌تر ساخته و باعث می‌شود مقابله با آن نیز با قدرت بیشتری انجام شود.

در این مقاله تلاش شد تا با تعریف مکتب سلیمانی مؤلفه‌های قدرت با همان تعریف نای از قدرت و مؤلفه‌هایش اما با نظام ارزشی اسلام مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. بررسی مؤلفه‌های قدرت در مکتب سلیمانی نشان داد، مؤلفه‌هایی همچون فرهنگی-اعتقادی، اجتماعی-انسانی، تبلیغی-روانی، اقتصادی و سیاسی-دیپلماسی از جمله مؤلفه‌های مهم به‌شمار می‌آیند. این اسطوره مقاومت برای تغییر در نگرش و آماده‌سازی، انگیزه‌سازی و برانگیختن افراد مؤثر در کشورهای مسلمان در راستای محقق ساختن وحدت امت اسلامی و مقابله با سیاست‌های استکباری با اتخاذ موضع

تهاجمی و مطالبه‌گرانه پیروزی را در میدان به نفع مجاهدان مقاومت رقم بزند و از تمام ظرفیت‌های نرم‌افزاری به تولید قدرت نرم بپردازد و بهترین استفاده ممکن را ببرد تا الگویی برای جریان مقاومت محسوب گردد و در جهت‌دهی عملکرد مقاومت اسلامی سهم زیادی داشته باشد؛ زیرا مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب سلیمانی توانست توان مبارزه را افزایش دهد و ضربه‌ایی حیثیتی به ابهت آمریکا بزند که با هیچ چیزی جبران نمی‌شود. به نظر می‌رسد هر یک از مؤلفه‌های عنوان شده خود راساً می‌تواند پایه تولید آثار مستقل پژوهشی باشد و به‌صورت تفصیلی پایه‌های قدرت نرم مکتب سلیمانی را توضیح دهد.

منابع

۱. افتخاری، اصغر؛ کمالی، علی‌اکبر (۱۳۷۷). رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲. بیگی، مهدی (۱۳۸۸). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام
۳. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: مؤسسه بوستان کتاب
۴. حسینی، سیده صدیقه (۱۳۹۲). اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه‌ای (رسانه ملی و الگوها). قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸، ۲۷ دی). خطبه‌های نماز جمعه تهران. دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ از وبسایت: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44695>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸، ۱۳ دی). پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او. دسترسی در ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ از وبسایت: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=44554>
۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). بررسی‌های اسلامی. قم: مؤسسه بوستان کتاب
۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی (ج ۲). قم: دارالحدیث
۹. گالبریت، جان کنت (۱۳۷۱). آناتومی قدرت. ترجمه: محبوبه مهاجر. تهران: سروش
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. تهران: صدرا
۱۱. مولانا، حمید (۱۳۷۱). گذر از نوگرایی ارتباطات و دگرگونی جامعه. ترجمه یونس شکرخواه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

۱۲. نائینی، علی محمد (۱۳۹۰). درآمدی بر جنگ نرم از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام

۱۳. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل (ج ۱۱). بیروت.

14. Nye, Josephs (2002). The Paradox of Americanpower, Why The Words only Superpower can't Go it Alone. New York: oxford univers ity press

